payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۶۱۹
دوشنبه / ۲ خرداد / ۱۳۹۹
۹ / شوال / ۱۴۴۱
01 / June/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون گارشان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۴۳۸۳
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

رقص شاپرک

خوشید
که غروب کند
می آید ماه من
چراغ چشم هایش
روشن می سازد
کلبه ی تنهایی ام را
در هوای گرگ و میش
رقص شاپرک
پخش می کند
بوی زندگی را
چشمک می زند
ستاره ی خوشبختی
دیگر
سر نمی رود حوصله ام

بهروز قاسمی (رها)

یادداشت

عشق زودرس

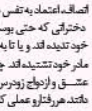

فاطمه مادامی

زمانی که دختران با رسیدن به سن بلوغ برای ازدواج انتخاب می شوند، ابراز احساسات در آنها به عنوان پیش قدم شدن برای ابراز عشق، عجیب و خارج از عرف می باشد.

در همان حال درعرف عاشق شدن دختر، پسندیده تمی باشد. مادرانی که فرزندان پسر خود را برای مردانگی و تسلط بر اعضای خانواده، وعدم باسخگویی به خواسته های اعضای خانواده آموزش می دهند خود یک تکنه ی منفی تربیتی است. مادری که به فرزند پسر خود القامی کند که تو همه کاره ی خانواده هستی و به دختران خود القامی کند که بایدبی چون و چرا به برادرت احترام بگذاری. اینها باورهای غلطی است که پیامدهای تربیتی خوبی برای جامعه ندارد.

مادری که می گوید: برادرت می تواند با تو، بلند صحبت کند برای احساسات تو، تصمیم بگیرد. دیر به خانه بیاید. و به دختران کوچه و خیابان متلک بگوید. و او حتی می تواند به رفتارهای زشت خود پاسخگو نباشد. این مادر تخریب کننده ی نظام تربیتی کانون خانواده است. مادریه جای اینکه در کارهای خانه شراکت و همکاری را از خواهر و برادر بخواهد. به فرزند دختران حکم می کند که وظیفه ی تودر خانه. شستن ظروف و آشپزی و کار خانه است. وبی چون و چرا به برادرت احترام بگذار. تحکم به دختر بدون اتصاله، اعتماد به نفس در او را ازبین می برد.

دخترانی که حتی بوسه ی مادران خود را برلب یا گونه ی پدران خود تندید اند. و یا تا به حال حرفهای سکسی چون عزیزم را از مادر خود تشنید اند. چه سرتوشتی خواهند داشت؟ این دختران عشق و ازدواج زودرس را سرزمین آرزوهای تدیدی ی خود می دانند. هرفتارو عملی که محدود باشد. در مقابل آن واگرایی بی حد و حصر خواهد بود. شاید مادرانی که در گیر فرهنگ تادرست حجب و حیا می باشند. دختران خود را تشنه و فریبای عشق های زودرس می کنند. عشق همیشه پاک است چه در جوانی و چه در توجوانی. ولی عشق دختر زیر ۱۸ سال و شروع بلوغ، پایانی خوش تدارد. نه برای خود وچه برای فرزندانش که باید مربی آنها باشند. که این یک دایره ی غلط ایجاد خواهد کرد.

دختران با عشق زودرس، مادرانی دارند که توسیدن و خوش لباس تبودن و خوش چهره تبودن در خانه را در انظار فرزندانش تجابت و حیا می دانند. دختران این فرهنگ، آموزش عشق را درخانه تدیده اند. پوسیدن پدر و توازش آغوش مادر را بعد از بلوغ جنسی درک نکرده اند. چنین خلایی باعث عشق های زودرس و تافرجام خواهد شد. محبت را به آنها عرضه کنیم. وآنها را تشنه در اجتماع رهاتکنیم. درک احساسات دختر در زمان بلوغ بسیار مهم است.

و برای این امر مهم وجود مادری را می طلبد که تمرین عشق ورزی را داشته باشد. پدر، تفش جنس مخالف و دوست و همراه او را داشته باشد و همزمان برادر او را هم. آموزش مهربانی و عشق ورزیدن. بدهند. در خانواده هایی که جدی رفتار کردن با فرزندان دختر و پسر خود را یک نوع مدیریت بر رفتارهای جنسی فرزندان خود می دانند. دچار خطاهای فرهنگی به ارث رسیده ی تیاکان خود هستند. در عصر جدید که رفتارهای به خطای جامعه ری بتری زیر سوال است. آموزش پدران ومادران لازمی است. با شعار دادن وتکوهش، مشکل تربیتی و عواقب آن حل نمی شود. در سن بلوغ ابراز احساسات عادی است و باید عادی با فرزندانمان رفتار کنیم.

بگذاریم فرزندانمان عشق پاک پدر ومادر و توازش های دوتفره آن ها را ببینند که اولین تمرین عشق را از خانه پدری به یادگار داشته باشند تا بدون توشه وارد زندگی زناشویی نشوند. فرامونش تکنیم خواهران وبرادران مهربانی که در کنار هم با تربیت صحیح پدر و مادر، به هم مهربانی و همدردی می کنند و در کنار هم در سختی ها و خوشی ها هستند کمتر دچار عشق های زود رس می شوند.

خبرچه

جذب توریست با استفاده از یک کتابخانه رویایی

کتابخانه‌ای که به تازگی در نقطه‌ای دورافتاده در چین افتتاح شد مکانی دلچسب را برای مطالعه برای مسافران و جذب توریست به این منطقه فراهم آورده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از سایت آرک دیلی- در منطقه‌ای رویایی و جنگلی در استان چجیانگ شرق چین که اغلب ساکنان آن به روستاهای مجاور مهاجرت کرده‌اند یک هتل -کتابخانه کیسولی به مساحت ۲۵۰۰ متر که در محاصره کوه‌های اطراف قرار گرفته پذیرای کتاب دوستان به مکان شگفت‌انگیزی است که خلوتگاه آرامی را برای مطالعه انتخاب کرده‌اند.

این هتل کیسولی کتابخانه‌ای با دیوارهایی پوشیده از قفسه‌های بلند و چشمگیر که از تخته-الوارهای بامبوی طبیعی چند لایه ساخته شده شاهکاری از یک هتل- کتابخانه را به نمایش گذاشته است. طراحی قفسه‌های کتاب‌ها در این مکان به شکلی با پلکان زیگزاگی هماهنگ شده تا یک مجموعه مسیر که کاملا شبیه مسیرهای کوهستانی است برای توقف و خواندن فراهم آورد.

هتل‌های کیسولی که اولین بار در ژاپن شکل گرفت به تدریج در کشورهای دیگر در حال گسترش است و محبوبیت بسیاری یافته است. این هتل‌ها دارای اتاق‌های کوچک و ارزان قیمت کیسولی شکل است که در کنار یکدیگر قرار گرفته و برای افرادی بیشتر مناسب است که می خواهند اقامتی یک شبه و ارزان قیمت را تجربه کنند.

نکته جالب این کتابخانه این است که پنجره‌های اتاق‌های کیسولی آن به بخشی از قفسه‌های کتابخانه باز می‌شود و به این ترتیب چشم‌اندازی حیرت‌انگیز را پیش روی مسافران این هتل قرار می‌دهد.

چونیان کایی، یکی از سازندگان این بنا با بیان اینکه چگونه تلفیق بین یک هتل و کتابخانه می‌تواند رفعی برای ایجاد فضایی فرهنگی در یک منطقه باشد بر اهمیت و نقش نویسنده این مکان در یک روستای دورافتاده و بسیار کم‌سکنه تأکید کرد.

تلنگر

چرا بیشتر کتاب‌هایی را که می‌خوانیم فراموش می کنیم؟

بعضی‌ها هر کتاب را فقط یک‌بار می‌خوانند و بعد از گذشت مدت‌ها تقریبا بی هیچ کم‌وکاستی همهٔ آن را به یاد می‌آورند. اما بیشتر ما این‌طور نیستیم و این موضوع خیلی ناراحتمان می‌کند و مدام خودمان را بابت روش مطالعه‌مان ملامت می‌کنیم یا حافظهٔ ضعیفمان را مقصر می‌دانیم. زمانی که کتابی را خریدیم، اسم کتاب فروشی، اینکه چاپ چندم بوده و خیلی جزئیات دیگر را خیلی راحت به خاطر می‌آوریم اما آنچه برایمان مهم‌تر است، یعنی محتوای کتاب را نه. آیا در عصر اینترنت این همه وسواس و عذاب روحی برای به خاطر سپردن اطلاعات ضروری است؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از ترجمان، خاطرات پاملا پُل دربارهٔ مطالعه بیش از آنکه رنگ‌وبوی واژگان را داشته باشد، حال وهوای تجربهٔ خواندن را دارد. پُل دبیر بخش بررسی کتاب نیویورک تایمز است و انصافاً زیاد کتاب می‌خواند! وی می‌گوید «تقریباً همیشه به یاد دارم که کجا بودم و کتاب چه شکلی بود. جزئیات ظاهری آن در ذهنم است. ویراستش را یادم می‌آید. جلد کتاب را هم؛ اغلب محل خرید را هم فراموش نمی‌کنم یا اینکه چه کسی آن را به من داد. چیزهای دیگر است که یادم نمی‌آید و این اقتضاع است.»

مثلاً پُل به من گفت که اخیراً خواندن زندگینامهٔ بنجامین فرانکلین اثر والتر ایزاکسون را تمام کرده است. می‌گوید: «زمان خواندن کتاب همه چیز را دربارهٔ بن فرانکلین نمی‌دانستم، اما چیزهای زیادی می‌دانستم و به‌طور کلی با سیر حوادث انقلاب امریکا آشنا بودم. حالا پس از دو روز احتمالاً نتوانم چیزی از سیر حوادث انقلاب امریکا برایتان بگویم.»

شکی نیست که بعضی افراد می‌توانند یک‌بار کتابی را بخوانند یا فیلمی را ببینند و پی‌رنگ آن را به خوبی در حافظه بسپارند. اما برای بسیاری از افراد، تجربهٔ مصرف کالای فرهنگی مثل پر کردن وان حمام است. در آن غوطه‌ور می‌شوند و بعد تماشا می‌کنند که با برداشتن دریوش خروجی تا قطرهٔ آخر آب تخلیه می‌شود. شاید یک فیلم تـه ولن باقی بماند اما دیگر فیلم‌ها همگی می‌روند.

فریا ساند استادیار روانشناسی در دانشگاه آتابسکا در کانادا می‌گوید: «حافظه اغلب محدودیتی ذاتی دارد. در اصل یک گلوگاه است.»

آنچه «منحنی فراموشی» نام دارد در ۲۴ ساعت اول پس از یادگیری تندترین شیب را دارد اینکه دقیقاً چقدر فراموش می‌کنید، از نظر درصدی متغیر است. اما اگر آن را مرور نکنید بخش زیادی از مطلب در گذر از اول جان سالم به در نمی‌برد و روزهای بعد بخش‌های بیشتری از دست می‌روند و آخر سر شما می‌مانید و کسری از آنچه آموخته‌اید.

احتمالاً حافظه همیشه همین‌گونه بوده است. اما جُرد هوورات، محقق دانشگاه ملبورن، می‌گوید نحوهٔ کنونی مصرف اطلاعات و تفریحات نظرمان را دربارهٔ نوع حافظهٔ ارزشمند تغییر داده است و حافظهٔ ارزشمند دیگر آنی نیست که کمک کند پی‌رنگ فیلمی را به یاد آوریم که شش ماه پیش دیده‌ایم.

در عصر اینترنت حافظهٔ بازیابی توانایی به‌یادآوردن خودبه‌خود اطلاعات در ذهن، ضرورت کمتری دارد. هنوز هم به درد آزمیدن کافه می‌خورد یا فهرست کارهای روزانه‌تان اما به گفتهٔ هوورات، آنچه «حافظهٔ شناختی» نام دارد، از اهمیت بالاتری برخوردار است. او می‌گوید «تا وقتی یادتان باشد آن اطلاعات کجاست و چطور می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد دیگر نیازی نیست آن را به خاطر بسپارید».

تحقیقات نشان داده‌اند که اینترنت مثل حافظهٔ جانبی عمل می‌کند. برای مثال، یک مطالعه «وقتی افراد امید دارند روز آتی از گذشت زمان به اطلاعات خود دسترسی داشته باشند، میزان بازیابی اطلاعات در آن‌ها پایین‌تر است.» اما حتی پیش از ظهور اینترنت، محصولات سرگرمی به عنوان حافظهٔ جانبی عمل می‌کردند. اگر نتوانید جمله‌ای از یک کتاب را به سرعت پیدا کنید، لازم نیست آن را به حافظه بسپارید. از وقتی فیلم‌های ویدئویی به بازار آمدند، می‌توانید تقریباً بدون هیچ دردسری فیلم یا برنامهٔ تلویزیونی را مرور کنید. دیگر اصلاً این موضوع مطرح نیست که اگر نتوانید آثاری فرهنگی را به یاد آورید، برای همیشه آن را از دست می‌دهید.

اینترنت با خدمات جاری و مدخل‌های ویکی پدیا، احتمال به‌یادآوری اطلاعات فرهنگی را حتی بیش از این‌ها افزایش داده است. اما این به معنی آن نیست که پیش از این همه‌چیز را به یاد می‌آوردیم.

افلاطون از اولین افراد مشهوری بود که وقتی خطر بیرونی‌سازی حافظه مطرح شد، روی ترش کرد. در گفت‌وگویی که افلاطون میان سقراط و فایدروس اشرافزاده می‌نویسد، سقراط داستانی دربارهٔ خدایگان تئوس می‌گوید که «کاربرد نامه را کشف کرد». تئوس، پادشاه مصر، به تئوس می‌گوید: این کشف، تو در روح یادگیرندگان فراموشی به بار می‌آورد زیرا دیگر از حافظهٔ خود استفاده نمی‌کنند. آن‌ها به حروف و واژگان نوشته‌شدهٔ بیرونی اعتماد خواهند کرد و خودشان چیزی به یاد نخواهند آورد.

هوورات می‌گوید: «در این گفت‌وگو، سقراط از نوشتن متنفر است زیرا می‌پندارد که حافظه را می‌کشد. درست هم می‌گوید. نوشتن بی‌شک حافظه را از بین برده است. اما تمام چیزهای باورنکردنی‌ای را به یاد آورید که امروز به خاطر نوشتن، در دست داریم. من که هرگز نوشتن را با یک حافظهٔ بازیابی بهتر عوض نمی‌کنم.» شاید اینترنت هم مبادلهٔ مشابهای را پیشنهاد می‌دهد: می‌توانید به هر میزان اطلاعات که می‌خواهید دسترسی داشته باشید و از آن استفاده کنید اما بیشتر آن را در خاطر نگه نخواهید داشت.

واقعیت این است که مردم اغلب بیش از آنچه بتوانند در مغز خود نگه دارند، اطلاعات وارد آن می‌کنند. سال گذشته، هوورات و همکارانش در دانشگاه ملبورن دریافتند افرادی که بیش از حد برنامه‌های تلویزیونی می‌بینند محتوای برنامه‌ها را خیلی سریع‌تر از کسانی فراموش می‌کردند که هفته‌ای یک قسمت را تماشا می‌کردند.

کسانی که زیاد تلویزیون می‌دیدند بلافاصله پس از برنامه در یک آزمون شرکت می‌کردند و بالاترین امتیاز را در این آزمون می‌گرفتند اما ۱۴۰ روز بعد، امتیاز آن‌ها کمتر از کسانی بود که هفتگی به تماشای تلویزیون می‌نشستند. همچنین طبق گزارش خودشان، میزان لذت آن‌ها از تماشای برنامه کمتر از کسانی بود که روزی یک بار یا هفته‌ای یک بار آن را تماشا می‌کردند.

افراد در مواجهه با مکتوبات نیز افراط می‌کنند. در ۲۰۰۹، به طور میانگین هر امریکایی روزانه یا ۱۰۰۰۰۰ واژه درگیر می‌شد. حتی اگر تمام این واژه‌ها را نمی‌خواند به سختی می‌توان تصور کرد که این رقم طی این نه سال کاهش یافته باشد. نیکیتا یکشانی در «اختلال زیادخوانی»، مقاله‌ای در مورینگ نیوز به تحلیل این آمار می‌پردازد. او می‌نویسد: «خواندن واژهٔ ظریفی است اما رایج‌ترین نوع خواندن احتمالاً خواندن به معنای مصرف کردن است: چیزی که ما می‌خوانیم، به‌ویژه در اینترنت تا صرفاً اطلاعات کسب کنیم. اطلاعاتی که تبدیل به دانش نمی‌شود مگر آنکه تثبیت شود.»

یا آن گونه که هوورات بیان می‌کند: «این نوعی غلغلک لحظه‌ای است و بعد غلغلکی دیگر می‌خواهید. موضوع اصلاً آموختن نیست. موضوع تجربهٔ لحظه‌ای حس آموختن است.»

دیگر تمام فیلم‌ها، برنامه‌ها و ترانه‌ها قابل‌هایی نیستند که در مغزمان آپلود کنیم، بلکه بخشی از تابلوفرش زندگی هستند که در کنار چیزهای دیگر بافته شده‌اند. از دور شاید دیدن یک رشته نخ دشوار باشد اما آن نخ به هر حل سر جای خودش نشسته.

هوورات می‌گوید: «خنده‌دار است که فکر کنیم خاطرات کاملاً پاک می‌شوند. آن‌ها وارد ذهن شما می‌شوند و به همین خاطر است که الان یک حافظه دارید. اما در واقع مجموع آن‌ها با هم یک چیز را می‌سازد و آن همه چیز ماست.»

پی‌نوشت: این مطلب را چولی یک نوشته است. ویسایت ترجمان آن را با ترجمهٔ نجمه رمضانی منتشر کرده است.

خوانک

یاد آن عهد که دل در خم گیسوی تو بود
شب من، موی تو و روز خوشم، روی تو بود

صائب تبریزی

فال ۴۲۴

امروز با حافظ

شد حلقه قامت من تا بعد از این رقیبت
زین در دگر نراند ما را به هیچ بابی
در انتظار رویت ما وامیدواری
در عشوه وصالت ما و خیال و خوابی

اذان

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۷	۰۵:۵۳	۱۳:۰۶	۲۰:۱۸	۲۰:۳۷

برگه

وقتی می میرید نمی فهمید که مرده اید، تحملش فقط برای دیگران سخت است.
بی شعور بودن هم مشابه همین وضعیت است.

فیلیپ گلوک

پرونده جراید

آمازون خودروسازی را کتابفروشی کرد

دیجیتال ریدرز- شرکت فروشگاه آنلاین آمازون به تازگی در سایت خود لیستی از ۲۳ فروشگاه کتاب خود را منتشر کرد است که در این لیست نام جدیدی دیده می‌شود.

شرکت فروشگاه آنلاین آمازون اخیراً در سایت خود لیستی از ۲۳ فروشگاه کتاب خود را منتشر کرد است که نام کتابفروشی جدیدی در زیر لیست به چشم می‌خورد که به عنوان بیست و چهارمین کتابفروشی فیزیکی آمازون معرفی شده است.

آمازون به طور رسمی افتتاح کتابفروشی جدید خود در شهر کالرفس ایالت مونتانا اعلام کرده است. این کتابفروشی در خیابان نیکولاس این شهر واقع شده است که ساختمان آن قبلاً در اختیار شرکت خودروسازی تسلاقرار داشت.

شرکت آمازون، اولین کتابفروشی را در سال ۲۰۱۵ در شهر سیاتل افتتاح کرد و بعدا شعبه‌های دیگری در ایالت‌های پورتلند، لوگان، سان‌دیگو باز کرد. در حال حاضر ۱۳ فروشگاه از این نوع فروشگاه‌ها در شهرهای مختلف آمریکا فعال هستند. انواع دیگر فروشگاه‌ها و کیوسک‌های کتابفروشی آمازون نیز هر کدام به سبک خود اقدام به فروش کتاب می‌کنند.

تجربه نمایشگاه آنلاین کتاب در لهستان و چالش بازار مجازی

ایبنا- نمایشگاه کتاب ورشو امسال نیز قرار بود با وجود ویروس کرونا برگزار شود که در آخرین لحظه مسئولان اعلام کردند که به صورت دیجیتالی نمایشگاه خود را برگزار خواهند کرد.

نمایشگاه کتاب ورشو بایتخت کشور لهستان هر سال اواخر ماه می برگزار می‌شد و امسال نیز قرار بود با وجود ویروس کرونا برگزار شود که در آخرین لحظه مسئولان اعلام کردند که به صورت دیجیتالی نمایشگاه خود را برگزار خواهند کرد. سال گذشته ۱۰۳۸ نویسنده از سراسر جهان در این نمایشگاه حضور یافته بودند و با بیش از ۸۰ هزار بازدیدکننده یک رکورد جدید در نمایشگاه‌های کتاب در تاریخ این کشور ثبت شده بود.

امسال علاوه‌بر اینکه مسئولان لهستانی گفته بودند نمایشگاه را با رعایت شرایط و استانداردهای بهداشتی برگزار می‌کنند ولی ظاهراً از این تصمیم خود منصرف شده و ترجیح دادند یک بازار کتاب آنلاین به نام بوک‌تارگ (BookTarg.pl) برپا کنند. این بازار کتاب‌هایی از ۴۰ نویسنده لهستان را برای فروش عرضه کرده است. سازمان‌دهندگان این بازار آنلاین می‌گویند این اولین بار است که چنین فرصت دیجیتال برای مردم این کشور فراهم شده است. کتابفروشی‌های آنلاین کشور لهستان از جمله آلگرو(Allegro) و لگیمی (Legimi) از سازمان‌دهندگان این بازار آنلاین هستند. مسئولان نمایشگاه کتاب ورشو می‌گویند: با وجود شرایط موجود و شیوع ویروس کرونا این نمایشگاه سال ۲۰۲۱ نیز ممکن است با شکل جدیدی برگزار شود و حتی احتمال دیجیتالی شدن آن نیز وجود دارد. میکولاژ مالشنسکی مدیر فروشگاه آنلاین آلگرو می‌گوید شرایط موجود نشان می‌دهد که احتمال هرگونه اتفاقی وجود دارد. ناشران لهستانی همگی بر دیجیتالی برگزار شدن نمایشگاه اتفاق نظر دارند ولی باید مدلی طراحی شود تا خسارت‌های گذشته جبران شود.

کرزیستوف لوسجوک مالک انتشارات و کتابفروشی زیلسکی (Książki) شهر ورشو می‌گوید این اولین بار است که بازار آنلاین کتاب در این کشور برپا می‌شود و هنوز هیچ کس از میزان استقبال و فروش آن خبر ندارد. وی گفت: به طور حتم در آینده فروش کتاب در لهستان و دیگر کشورها نیاز به قوانین خاصی دارد که باید در فضای مجازی نیز در نظر گرفته شود.

این ناشر لهستانی در ادامه گفت: تعلل این شروع کار بازار آنلاین در لهستان است. در گذشته سهم فروش کتاب در فضای مجازی تنها ۵۰ درصد بود ولی شرایط موجود ایجاب می‌کند که پهای بیشتری به این قضاه داده شود.

لوکاس اوکونسکی مدیر انتشاروفروش زنجیرهای پولسکا (Polska) نیز تجربه فروش کتاب در فضای مجازی را برای کشور لهستان یک تجربه جدید و دست نخورده ارزیابی می‌کند و اعتقاد دارد همه چیز در آینده مشخص خواهد شد.

معرفی نامزدهای نهایی بهترین کتاب طنز انگلیسی زبان

بوک مسلو - جایزه‌ی «جی‌ی وودهاوس» که برای انتخاب بهترین آثار کمیک و طنز سال اهدا می‌شود، شش قینالیست رقابت ۲۰۲۰ را معرفی کرد.

جی‌ی وودهاوس که به عقیده بسیاری عنوان بزرگ‌ترین نویسنده طنز انگلیسی‌زبان در قرن بیستم شناخته می‌شود، با شخصیت‌هایی که خلق کرده و با گفتار آنها در زبان و متدولوژی انگلیسی جای خاصی دارد.

جامعه‌ادبی بریتانیا با اهدای جایزه‌ای به‌نام‌وی از بخش طنز داستان سرایی تجلیل می‌شود و این تنها جایزه‌ای است که به نوشته‌های طنز در بریتانیا تعلق می‌گیرد. اعضای هیات داوران لیت رقابت امسال با برگزاری یک نهار آنلاین مفرح، اسامی نامزدهای خود را اعلام کردند.

این جایزه امسال از میان ۶۹ اثر که همه آنها بین یکم ژوئن سال پیش تا ۳۱ ماه می امسال منتشر شده‌اند، نامزدهای خود را انتخاب کردند.

این جایزه که امسال بیستمین سال خود را برگزار می‌کند به برنده یک مجموعه متشکل از ۵۲ جلد از آثار وودهاوس را اهدا می‌کند.

سال پیش نینا استابب، برای «لایق سرخوش بودن» از انتشارات پنگوئن این جایزه را از آن خود کرد.

در میان قینالیست‌های امسال برای نخستین بار یک رمان گرافیکی جای گرفته و هاناوتچایلد نیز برای مرتبه‌ی دوم به میان قینالیست‌های این جایزه راه یافته است. نام برنده ۳۴ ژوئن اعلام می‌شود.

قینالیست‌ها عبارتند از:

«بوسه» نوشته مئیو دولی از پنگوئن رندوم هاوس

«احمق» نوشته لهویس گاگان از انتشارات هچت

«قوانین ملاقات» نوشته جسیکا گرانسیس کین از انتشارات گرانتا

«آب و هوا» نوشته جنی اویفیل از انتشارات گرانتا

«۴۶۴ بهتر از دیو» نوشته آلیستر بودیک از انتشارات رابن کوست بوکز

«خانه تراکوئی» نوشته هاناوتچیلد از انتشارات بلومزبری

در توصیف این دوره آمده است: داوران خیلی خوشحال بودند که در این دوران سخت که طنز از همیشه مهم‌تر است، توانستند چنین قینالیست‌هایی پرقدرتی را انتخاب کنند! آن هم بر بیستمین سال اهدای جایزه.

رییس سازمان حامی جایزه نیز گفت: اکنون بیش از هر زمان دیگری باید از لذت‌های ساده شاد شویم و هیچ چیز بهتر از این نیست که با یک کتاب عالی به جهان طنز برویم.

داوران جایزه نیز گفته‌اند: در اینجا فرصتی از رشمند برای بازیگران صنعت نشر فراهم می‌شود تا توجه کنند که فعالیت‌های عادی هم در این دوران سخت تاریخی، می‌تواند سخت باشد. در عین حال اگر سوءمدیریت‌های دولت‌ها بسیاری از بازارها نتایجی تهدیدآمیز به بار نمی‌آورد می‌توانست اوضاع بهتر از این هم باشد! آن هم در دورانی که یک ویروس کشنده حداقل در ۲۱۳ کشور و سرزمین وجود دارد. در عین حال باداوری شده که در لحظه معرفی نامزدها بر مبنای آمار مرکز کرونا ویروس جان هاپکینز ۳۵۴ هزار و ۴۲ نفر جان خود را در دنیا از دست داده‌اند که از این میان ۳۷ هزار و ۵۴۲ تن از بریتانیا بوده‌اند. بریتانیا با این آمار در مکان چهارم جهان جای دارد. نخستین جایزه‌ی این رقابت سال ۲۰۰۰ به هاولد جیکوبسون برای «قصنده توفانی ولس» اهدا شد. پل نارندی، تری پرچت، ایان مک لوان، جاناتان کو، الکساندر مک کال اسمیت و هادا وتچایلد از دیگر برندگان این رقابت در سال‌های پیش بودند.

تنها یک بار جایزه‌ی این رقابت به نویسنده‌ای از آمریکا تعلق گرفت.

امروز بهترین فرصت است
برای پیوستن به جمع درمان یاران